

باید پشت در می‌آدمم!^۱

مقدمه:

مطالعه دقیق منابعی که از حوادث و رویدادهای پس از سقیفه بنی ساعده^۲ یاد کرده‌اند، ما را با حوادث ناگواری مواجه می‌سازد که یکی از آنها، تحقق قطعی و تردید ناپذیر «هجوم به خانه حضرت فاطمه سلام الله علیها»^۳ آن هم - دست کم - در دو نوبت مختلف که به ترتیب - از آنها با نام‌های «هجوم اول؛ هجوم منجر به شکست تحصن» و «هجوم اصلی (دوم)؛ هجوم منجر به وقوع آتش سوزی و ایراد ضرب و جرح به حضرت زهرا سلام الله علیها» یاد می‌شود.

وقایع شاخص در هجوم اول:

اول: تحصن (اجتماع) تعدادی از مخالفان بیعت با ابوبکر (در خانه حضرت فاطمه سلام الله علیها) عبارت بودند از: حضرت علی علیه السلام، زبیر، سلمان، ابوذر، مقداد، عمّار و عباس.^۴ (مخاطب و هدف اصلی مهاجمان در هجوم اول، همه تحصن کنندگان و در رأس آنان زبیر بن عوام بود).

دوم: تهدید عمر به آتش زدن خانه حضرت فاطمه سلام الله علیها در صورت عدم خروج متحصنین از آنجا.^۵

سوم: خروج متحصنان (به ویژه زبیر که شمشیر به دست داشت^۶) از خانه حضرت زهرا سلام الله علیها.

چهارم: عدم خروج حضرت علی علیه السلام از خانه^۷، به رغم خروج متحصنان.

۱. اقتباس از کتاب درسنامه فاطمی، مجید جعفر پور.

۲. سقیفه مشهور در تاریخ، محل اجتماع قبیله خزرج از انصار مدینه بوده و رئیس آنان سعد بن عباده بوده است. پس از بیعت مردم با ابوبکر در سقیفه، حضرت علی علیه السلام آیات ۱-۴ سوره عنکبوت را قرائت کردند.

۳. حداقل هفده نفر از علماء و دانشمندان بزرگ اهل سنت، هجوم را در کتب خود نقل کرده‌اند از جمله: ابن قتیبه دینوری در الامامة والسياسة، ج ۱، ص ۲۴؛ ابن عبد ربّه اندلسی؛ در العقد الفريد، ج ۴، ص ۲۵۰؛ ذهبی در تاریخ اسلام، ج ۳، ص ۱۱۷-۱۱۸.

۴. العقد الفريد، ابن عبد ربّه، ج ۴، ص ۲۴۲.

۵. المصتف، ابن ابی شیبه، ج ۷، ص ۴۳۳، رقم ۳۷۰۳۴؛ ابن ابی شیبه استاد بخاری است!

۶. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۱.

۷. الامامة و السياسة، ابن قتیبه دینوری، ج ۱، ص ۱۲.

به نقل از ابن ابی شیبیه؛ پس از تهدید عمر، تحصّن کنندگان نزد حضرت فاطمه سلام الله علیها گرد آمدند. آن حضرت فرمود: دیدید که عمر پیش من آمد و به خدا سوگند خورد که اگر نزد من باز گردید، خانه را بر سرتان به آتش می‌کشد. قسم به خدا او به آنچه قسم خورده، عمل می‌کند «فَانصَرَفُوا رَاشِدِينَ»؛ پس به صلاح دید خود عمل کنید و نزد من باز نگردید [از ادامه تحصّن دست بردارید] آن‌ها از وی فاصله گرفتند و نزدش باز نگشتند تا زمانی که با ابوبکر بیعت کردند.^۸

اقدامات حضرت فاطمه سلام الله علیها و حضرت علی علیه‌السلام پس از هجوم اوّل و غضب فدک:

۱. گریه کردن در فراق پدر (و به عنوان اعتراض به غاصبین) در خانه و بیت الاحزان^۹ و قبرستان احد^{۱۰}؛ ۲. ارائه سند پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد فدک^{۱۱}؛ ۳. احتجاج مفصل حضرت فاطمه سلام الله علیها در مجلس ابوبکر و عمر^{۱۲}؛ ۴. آوردن شاهدان بر ملکیت فدک و رد کردن آنها توسط عمر و پاسخ نهایی امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره شاهدان؛ ۵. احتجاج خصوصی حضرت فاطمه سلام الله علیها بر ابوبکر و گرفتن سند و پاره کردن آن توسط عمر^{۱۳}؛ ۶. استتصار و یاری طلبیدن شبانه از مهاجرین و انصار^{۱۴}؛ ۷. احتجاج مفصل امیرالمؤمنین علیه‌السلام با ابوبکر و عمر در مسجد^{۱۵}؛ ۸. خطابه حضرت فاطمه سلام الله علیها در مسجد^{۱۶}؛ ۹. نامه امیرالمؤمنین علیه‌السلام به ابوبکر درباره غضب فدک^{۱۷}.

نکته: پس از احتجاج امیرالمؤمنین علیه‌السلام در مسجد، غاصبین تصمیم بر قتل آن حضرت گرفتند که در اجرای آن

ناکام ماندند.^{۱۸}

۸. المصنّف، ابن ابی شیبیه، ج ۸، ص ۵۷۲، رقم ۴.

۹. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۴-۱۸۰.

۱۰. بیت الاحزان، شیخ عباس قمی، ص ۲۲۷.

۱۱. بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۳.

۱۲. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۳۴، ۱۹۴-۱۹۹، اسرار آل محمد علیهم السلام، سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۸۶۸.

۱۳. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۹۲، و ج ۴۸، ص ۱۵۷.

۱۴. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۲۸؛ الامامة والسیاسة، ج ۱، ص ۱۴۰.

۱۵. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۸۹-۱۹۵.

۱۶. اسنادی که تاکنون به دست ما رسیده و خطبه را به صورت کامل نقل کرده، بیست و سه سند است که این اسناد در بیست منبع مهم به دست آمده است؛ از جمله: بلاغات النساء ابن طیفور؛ دلائل الامامة، طبری شیعی؛ الاحتجاج، طبری و... .

۱۷. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۴۰، ح ۳۰.

۱۸. اسرار آل محمد علیهم السلام، ج ۲، ص ۸۷۱-۸۷۳؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۰۶.

غاصبین در مقابل این اقدامات تصمیم گرفتند برای اخذ بیعت از امیرالمؤمنین علیه السلام به خانه حضرت فاطمه سلام الله علیها هجوم بیاورند. بلاذری می نویسد: ابوبکر در زمانی که علی از بیت خودداری نمود، عمر را نزد وی فرستاده گفت: او را به سخت ترین وضع نزد من بیاورید؛ (إِئْتِنِي بِهِ بِأَعْنَفِ الْعُنْفِ).^{۱۹}

وقایع شاخص در هجوم دّوم (هجوم اصلی)

اول: تنها بودن اهل بیت علیهم السلام و خالی بودن خانه حضرت فاطمه سلام الله علیها از یاران حضرت علی علیه السلام. (مخاطب و هدف اصلی مهاجمان در هجوم اصلی، امیرالمؤمنین علیه السلام بود).

دوم: بیرون کشاندن اجباری حضرت علی علیه السلام از خانه توسط مهاجمان و تهدید ایشان به قتل.^{۲۰}

سوم: به آتش کشیدن درب خانه حضرت زهرا سلام الله علیها توسط مهاجمان.^{۲۱}

چهارم: ایراد ضرب و جرح به حضرت زهرا سلام الله علیها توسط مهاجمان.^{۲۲}

لازم به یادآوری است که هرچند شاخص های سوم و چهارم، از زمره مهم ترین رخداد های «هجوم اصلی» به شمار می روند، اما در منابع اهل سنت، حذف و تحریف شده اند، به گونه ای که تنها ردّ پاهای کم رنگی از آن ها باقی مانده است. همچنین خاطر نشان می گردد که: وجود پاره ای حوادث مشترک میان هر دو هجوم (مانند تهدید به آتش زدن و ورود خشونت بار مهاجمان به داخل خانه، که در هر دو هجوم به وقوع پیوسته اند)، گاه «به طور طبیعی و ناخواسته و یا دانسته و مغرضانه» موجبات ادغام نقل های «هجوم اول» و «هجوم اصلی» در یکدیگر را فراهم آورده است.

پس از این مقدمه- در هجوم اصلی به خانه حضرت فاطمه سلام الله علیها- در صورت حضور حضرت علی

علیه السلام در خانه، چرا حضرت زهرا سلام الله علیها پشت درب آمدند؟

هر چند دلیل قطعی این موضوع را فقط خود معصوم می داند، و برای ما به طور حتم ثابت نیست، ولی برای پاسخ به این پرسش،

^{۱۹}. انساب الاشراف، بلاذری، ج ۱، ص ۵۸۷.

^{۲۰}. همان، ص ۵۶۷.

^{۲۱}. اسرار آل محمد علیهم السلام؛ (ترجمه کتاب سلیم بن قیس)، ص ۲۲۵-۲۳۱؛ الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۲۱۰-۲۱۶.

^{۲۲}. در بعضی از روایات که از طریق اهل سنت از زبان حضرت فاطمه سلام الله علیها نقل شده این گونه آمده است: «مبادا کسی [پس از مرگم]، پوشش روی کتف مرا کنار بزند!!» الطبقات الکبری، ابن سعد، ج ۸، ص ۱۸، الاصابه، ابن حجر، ج ۸، ص ۵۸.

با توجه به آیات و روایات، این گونه می‌توان گفت: که حضرت فاطمه سلام الله علیها به وظیفه و مأموریت خویش، به نحو احسن جامهٔ عمل پوشاند:

آیهٔ اول: آیه اولویت

(النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ)؛^{۲۳} پیامبر بر مؤمنان از خودشان سزاوارتر است.

با توجه به این آیه، جان پیامبر خدا صلی الله علیه وآله آن قدر با ارزش است که اگر در خطر بیفتد، سزاوار است همهٔ مؤمنان، جان خود را فدای جان رسول خدا صلی الله علیه وآله کنند، چنان‌که سربازِ جان بر کفِ ایشان یعنی امیرالمؤمنین یعسوب الدین حضرت علی علیه السلام بارها جان خود را فدای پیامبر صلی الله علیه وآله کردند که برجسته‌ترین آنها در ماجرای لیلۃ المبیت و هنگام فرار مسلمانان در جنگ احد روی داد که حضرت علی علیه السلام تا سرحدِّ جان، شجاعانه از جان رسول خدا صلی الله علیه وآله دفاع کرد و ...

سؤال: چه کسی پس از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله نسبت به مؤمنان سزاوارتر است؟

آیات زیر، پاسخ این سوال را روشن‌تر بیان می‌کنند:

آیهٔ دوم: آیه ولایت

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)؛^{۲۴} اولی شما، تنها خدا و پیامبر

اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند: همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

مرحوم علامهٔ امینی (ر) در کتاب ارزشمند «الغدیر» نزول این آیه را در حق علی بن ابی طالب علیه السلام اعلام داشته و از شصت

و شش منبع اهل سنت نقل کرده است از جمله کتاب‌های تفسیر: الدر المنثور سیوطی، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب) فخررازی، تفسیر

کشاف زمخشری و ...

^{۲۳}. سوره احزاب، آیه ۶، ۲۳.

^{۲۴}. سوره مائده، آیه ۵۵، آیه ولایت.

با توجه به آیه ولایت، (إِنَّمَا) که از ادات حصر^{۲۵} است، ولایت را فقط برای خدا، رسول و حضرت علی علیه السلام اختصاص می دهد؛ بنابراین ولایتی را که خداوند برای رسول خدا صلی الله علیه وآله قرار داده، همان ولایت را برای حضرت علی علیه السلام اختصاص داده است.

آیه سوم: آیه مباهله

(فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ)؛^{۲۶} پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده با تو ستیزه و جدل کند، بگو: «بیاید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و ما نفوسمان را و شما نفوستان را دعوت کنیم، سپس [به درگاه خدا] دعا و زاری کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم».

خداوند متعال در آیه مباهله، حضرت علی علیه السلام را به عنوان نفس رسول خدا صلی الله علیه وآله معرفی کرده است.

قاضی ایجی در کتاب «مواقف» و جرجانی در شرح مواقف، تصریح کرده اند که این آیه، دلالت بر مساوات پیامبر صلی الله علیه وآله با حضرت علی علیه السلام در تمام مقامات و فضایل به جز نبوت دارد^{۲۷}؛ و این آیه بهترین دلیل بر علو شأن و مرتبه امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام است.

نتیجه: حضرت علی علیه السلام که با توجه به آیه مباهله، نفس و جان رسول خدا صلی الله علیه وآله است و به استناد آیه ولایت، ولایت ایشان همان ولایت رسول خدا صلی الله علیه وآله است؛ بنابراین سزاوار است که جان ولی خدا؛ یعنی حضرت علی علیه السلام مثل جان رسول خدا صلی الله علیه وآله در صورت به خطر افتادن توسط همه مؤمنان حفظ شود و آنها جان خود را فدای جان امیرالمؤمنین علیه السلام کنند؛ در هنگام هجوم به بیت، تنها سرباز جان برکف ایشان، حضرت فاطمه سلام الله علیها بود که به این وظیفه و تکلیف الهی خود عمل کرد؛ زیرا تکلیف حضرت زهرا سلام الله علیها این بود که از مقام امامت و ولایت دفاع کند و بر آنچه او را ناراحت و خشمگین می سازد، صبر کند که به خوبی به این تکلیف جامه عمل پوشاند:

^{۲۵} فخر رازی در تفسیر "مفاتیح الغیب"، ذیل آیه ۱۱۰، سوره کهف، اینما و آنما را از ادات حصر می داند.

^{۲۶} سوره آل عمران، آیه ۶۱؛ آیه مباهله.

^{۲۷} شرح مواقف، ج ۸، ص ۳۶۸.

روایت اول

عیسی بن مستفاد می‌گوید: از امام کاظم علیه‌السلام پرسیدم آیا در آن وصیت [رسول خدا صلی الله علیه وآله] سخنی از غضب خلافت و پیشی گرفتن دیگران بر امیر مؤمنان علیه‌السلام به میان آمد؟ حضرت فرمود: آری، به خدا سوگند نکته به نکته رویدادها بیان شده بود. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله به امیر مؤمنان علیه‌السلام و حضرت فاطمه سلام الله علیها فرمودند: آیا آنچه که شما را به انجام آن مأمور کردم، فهمیدید و پذیرفتید؟ آن دو فرمودند: «بَلَىٰ وَصَبْرُنَا عَلَىٰ مَا سَاءْنَا وَغَاظَنَا»؛ آری و بر آنچه ما را ناراحت و خشمگین می‌سازد، صبر می‌کنیم^{۲۸}

روایت دوم

[در حال احتضار] پیامبر خدا صلی الله علیه وآله سر بلند کرد و دست فاطمه سلام الله علیها را در دست امیر مؤمنان علیه‌السلام نهاد و فرمود: ... یا علی! هر آنچه فاطمه امر کند، به انجام رسان؛ جبرئیل دستوراتی آورده که من به او گفته‌ام!^{۲۹}

از این رو، دلیل پرهیز امام علی علیه‌السلام از جهاد شهادت طلبانه، سرّ حمایت‌ها تا سرحدّ جان و دفاع خون‌بار حضرت فاطمه سلام الله علیها از امیرالمؤمنین علیه‌السلام در هجوم اصلی به بیت، در این نکته کلیدی می‌توان یافت که «حفظ اسلام از خطر نابودی و ارتداد و بازگشت به قبل از اسلام» منوط به «حفظ جان حضرت علی علیه‌السلام بود»؛ هیچ‌کس مانند حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها این حقیقت قرآنی را نمی‌دانست و نمی‌توانست درک کند؛ از این رو وقتی متوجه وجود خطر برای مولای خویش از سوئی و وجوب حفظ جان ولی زمان به دلیل سزاواری بر جان همه مؤمنان از سوی دیگر شد، بر خود واجب دانست برای حفظ جان و نفس رسول خدا صلی الله علیه وآله یعنی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام، پشت در بیایند و اینچنین جان‌نثاری نمایند.

لازم به ذکر است که این مهاجمان بودند که با حکم خدا مخالفت کردند و این‌گونه پاره تن رسول خدا صلی الله علیه وآله را مورد ضرب و جرح و آزار و اذیت قرار دادند. همان کوثر قرآنی که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله درباره ایشان فرمودند: «فَإِنَّمَا هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي، يَرِيئِي مَا أَرَابَهَا وَيُؤْذِنِي مَا آذَاهَا»؛ همانا او [فاطمه] پاره تن من است، هر که او را پریشان خاطر کند مرا پریشان خاطر

^{۲۸}. کافی، ج ۱، ص ۲۸۱؛ الطرف، سیدبن طاووس، ص ۲۲ - ۲۴.

^{۲۹}. الطرف، ص ۲۹ - ۳۰؛ بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۴۸۴ - ۴۸۵.

کرده و هر که او را بیازرد مرا آزرده است.^{۳۰}

و قرآن درباره آزاردهندگان خدا و رسولش این گونه می فرماید: **إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ**

لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا^{۳۱}؛ بی گمان کسانی که خدا و پیامبر او را آزار می رسانند، خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت^{۳۲} کرده و برایشان عذابی خفت آور آماده ساخته است.

از مصادیق آزار و اذیت رسول خدا صلی الله علیه وآله در قرآن، این است که می فرماید: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ**

النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ

كَانَ يُؤْذَى النَّبِيُّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ

وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكُحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا)^{۳۳} ای کسانی که

ایمان آورده اید، داخل اتاق های پیامبر نشوید، مگر آن که برای [خوردن] طعامی به شما اجازه داده شود، [آن هم] بی آنکه در انتظار پخته

شدن آن باشید ولی هنگامی که دعوت شدید، داخل گردید، و وقتی غذا خوردید، پراکنده شوید بی آنکه سرگرم سخنی گردید. این

[رفتار] شما پیامبر را آزار می دهد و [لی] از شما شرم می دارد، و حال آنکه خدا از حق [گوئی] شرم نمی کند، و چون از زنان [پیامبر]

چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید، این برای دل های شما و دل های آنان پاکیزه تر است، و شما حق ندارید رسول خدا را برنجانید،

و مطلقاً [نباید] زنانش را پس از [مرگ] او به نکاح خود در آورید، چرا که این [کار] نزد خدا همواره [گناهی] بزرگ است.

با توجه به این آیه، اهل انصاف و دقت، به دو سؤال زیر چه پاسخی می دهند:

۱. آیا مهاجمان در هنگام هجوم به خانه حضرت فاطمه سلام الله علیها (که جزء بیوت النبی است) اجازه گرفتند؟!

۲. در صورتی که از نظر قرآن سخن گفتن در منزل (محضر) رسول خدا صلی الله علیه وآله، مصداق آزار و اذیت پیامبر صلی

الله علیه وآله است، آیا آزار و اذیت پاره تن ایشان - حضرت فاطمه سلام الله علیها - مصداق آزار و اذیت رسول خدا صلی الله علیه وآله

نیست؟!

^{۳۰} صحیح بخاری، کتاب فرض الخمس، باب (ما ذکر من درع النبی ﷺ)، رقم ۳۱۱۰؛ صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابه، باب (ومن فضائل فاطمه)، ج ۴، ص

۱۹۰۲، رقم ۲۴۴۹.

^{۳۱} سوره احزاب، آیه ۵۷.

^{۳۲} لعن در ۳۸ آیه و ۴۱ مورد از آیات قرآن آمده است.

^{۳۳} سوره احزاب، آیه ۵۳.